

## چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مهم مشارکت، یکی از شاخص‌های موثر توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. در این راستا یکی از گروه‌های عمده جامعه که شرکت آنان در روند اداره جامعه و توسعه سیاسی و اجتماعی و ... ضروری است، دانشجویانند. از این رو بررسی مشارکت سیاسی این قشر (دانشجویان) به عنوان بزرگترین و فعالترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و در عین حال مسئولان آینده اداره جامعه اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی اجتماعی جامعه دارد.

هدف این پژوهش، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه صنعتی شاهرود است. در این راستا روش تحقیقی که به کار گرفته شده روش پیمایش بوده که بر روی ۳۸۴ نفر از دختران و پسران مشغول به تحصیل در دانشگاه صنعتی شاهرود صورت گرفته است و برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید که اعتبار آن به روش صوری مورد بررسی قرار گرفت. جهت سنجش پایایی گویه‌ها از آماره آلفای کرونباخ استفاده شده و داده‌ها نیز از طریق نرم افزار **SPSS** مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق مذکور با توجه به جمعیت خاص مورد بررسی نشان دهنده آن است که بین منزلت اجتماعی- اقتصادی خانواده و سیاسی بودن دوستان و میزان تدین و دینداری افراد و سیاسی بودن خانواده و استفاده از رسانه‌های اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه معنی‌داری وجود دارد. این در حالی است که بین سن و مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری وجود نداشت. همچنین بین نوع جنسیت افراد و میزان مشارکت آنها در بخش سیاست تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. اما این پژوهش نشان داد که بین نوع قومیت افراد و میزان مشارکت سیاسی آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

**کلید واژه ها:** مشارکت سیاسی، دانشجویان، دینداری، رسانه، آگاهی سیاسی، خانواده سیاسی، منزلت اجتماعی- اقتصادی.

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

یکی از شاخصه های مهم جهانی شدن در ابعاد سیاسی، تمایل گسترده آحاد مردم به کسب دموکراسی است. مشارکت عامه مردم در امور سیاسی که خود ناشی از تمایل مشارکت جویانه آنان نسبت به نظام سیاسی است یکی از نتایج و دست آورد های مراحل پیشین دموکراسی است. بنابراین مشارکت را می توان یکی از معیار های موفقیت توسعه فراگیر محسوب نمود. در همین راستا مشارکت سیاسی جوانان به عنوان بزرگترین گروه جمعیتی کشور یکی از مهمترین مولفه های رفتار سیاسی شهروندان چه از نظر پژوهشگران رفتار سیاسی و چه از حیث مدیریت سیاسی جامعه در حال تحول ایران، محسوب می شود.

در دهه های آخر قرن بیستم، با گسترش فرایند جهانی شدن و در پی آن تمایل گسترده مردم در جوامع مختلف جهت دستیابی به دموکراسی، تحركات سیاسی از سوی جوانان برای درگیر شدن آنان در امر سیاست و دخالت در فرایند تصمیم گیری در کشورهای مختلف دیده شده است. هرچند مشارکت سیاسی جوانان در همه جوامع توسعه یافته یا در حال توسعه در برخی زمینه ها تفاوت های مشخصی با مشارکت سایر شهروندان دارد؛ به طوری که در اروپا و امریکای شمالی جوانان در مقایسه با گروه های جمعیتی دیگر تمایل کمتری به شرکت در انتخابات و تمایل بیشتری به حضور در عرصه های مشارکت سیاسی اعتراضی دارند.

از این رو بررسی نقش، جایگاه و کارکردهای دانشجویان در نظام سیاسی و ضرورت بهره مندی جامعه از توانمندی های دانشجویان در اداره امور می تواند یکی از شرایط اجتناب ناپذیر توسعه اجتماعی و سیاسی باشد.

## ۱-۲- بیان مسئله

مشارکت مفهومی است چند بعدی و پیچیده که هر جامعه ای نسبت به قوام خود در سطوح مختلفی از آن در ابعاد مختلف برخوردار است. بر همین اساس جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه های مختلف می باشند تا به این طریق همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی شان را محکم و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند.

یکی از انواع مهم مشارکت که بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی در چهارچوب متعارف و قانونی را یکی از سنجه های توسعه سیاسی در کشورهای جهان به شمار آورده اند (ایرنه گن؛ ۱۳۶۹: ۲۵۱). با رونق فزاینده بحث مشارکت سیاسی در دهه های اخیر هم اکنون این بحث یکی از مهمترین و اساسی ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی به

شمار می‌رود. امروزه متفکران و صاحب نظران توسعه، مشارکت را از مهمترین ارکان توسعه به شمار می‌آورند و در توسعه سیاسی برای آن اهمیتی دو چندان قائلند. به اعتقاد آنها مشارکت سیاسی از ضرورت های جدا نشدنی و انکار ناپذیر نظام سیاسی در قرن بیست و یکم است و اصلی ترین شاخص توسعه یافتگی سیاسی پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی است.

در همین راستا سئوالی که در رابطه با رفتار سیاسی دانشجویان به عنوان یکی از قشرهای جامعه به ذهن متبادر می‌شود این نکته است که دانشجویان به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی دارای چه خصوصیات و مشخصاتی در حوزه سیاست می‌باشند که شناخت رفتار سیاسی آنها این اندازه با اهمیت جلوه می‌کند؟ شاید این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که شناخت عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان می‌تواند به آگاهی و بینش مسولین در جهت تقویت مشارکت سیاسی دانشجویان افزوده و به آنها در جهت رفع موانع مشارکت کمک کند، زیرا با استفاده از مشارکت سیاسی دانشجویان می‌توان از ظرفیت و قابلیت های این قشر در جهت اعتلا و پیشرفت کشورها بهره برداری کرد.

با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد که سیاسی بودن دانشجو در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشند و نسبت به مسائل داخلی و خارجی و جریان‌های موجود از بینش و تحلیل سیاسی برخوردار باشند؛ از جمله ضرورت‌های حیات سیاسی دانشجویان و لازمه توسعه سیاسی است. همچنین تبیین کارکردهای دانشگاه به عنوان یکی از بخش‌های ساختار فرهنگی کشور و به عنوان سمبل و نماد نوگرایی در بسیاری از عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین نقشی که دانشجو در این زمینه به عهده دارد به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان است.

بر این اساس، تبیین مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود و عوامل اجتماعی موثر بر آن، موضوع پژوهش حاضر می‌باشد. در واقع مسئله کانونی پژوهش حاضر این است "سهم هریک از این عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود چقدر بوده است؟" با توجه به این ضرورت‌هاست که فعالیت سیاسی دانشجویان به عنوان قشری نقاد، پرسشگر و آرمان خواه مورد مطالعه قرار داده می‌شود و اهمیت نقش دانشجویان در تعیین سرنوشت کشور را نشان می‌دهد.

### ۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

بطور کلی اهمیت و ضرورت انجام هر تحقیقی از دو جنبه نظری و کاربردی قابل طرح است. اهمیت نظری هر مطالعه ای لزوماً با مفهوم شناخت، مرتبط است. هر تحقیقی گستره اطلاعات ما را نسبت به ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه افزایش می دهد. این پژوهش به لحاظ نظری ما را با مفهوم مشارکت سیاسی به عنوان مولفه اصلی «توسعه سیاسی» آشنا نموده، رابطه بین این مفهوم و مفاهیم دیگر را در حوزه توسعه سیاسی مشخص کرده و به ما اجازه می دهد تا از دیدگاه خاص به مقوله مشارکت سیاسی نگریده و سطح تحلیلیمان را با برقرار کردن رابطه بین این مفهوم و مفاهیم دیگر در حوزه توسعه سیاسی بالا ببریم.

جنبه کاربردی هر پژوهش نیز به تبع جنبه نظری آن دارای اهمیت بسیاری می باشد. زیرا با شناخت دقیق هر مساله و آگاهی از ضعف ها و اهمیت بر طرف کردن آنها، راه برای مسئولین مربوطه به منظور برنامه ریزی دقیق جهت نیل به اهداف مطلوب فراهم می شود. این مساله زمانی برجسته می شود که ما با اهمیت و مزیت مشارکت سیاسی و ضررهای کاهش مشارکت سیاسی به خوبی آشنا شده باشیم.

در دفاع از مشارکت و رقابت سیاسی به عنوان مفاهیم اصلی توسعه سیاسی سخن بسیار است که یکی از مهمترین مزایای آن قاعده مند سازی انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر است. که فقدان آن مصائب سیاسی بسیاری از جمله شخصی شدن سیاست، فساد قدرت، جنگهای جانشینی و ... را در پی دارد. همچنین رقابت و مشارکت سیاسی زمینه را برای چرخش نخبگان و دگرگونی در گروه حاکمه فراهم می سازند. بعلاوه اینکه ضرورت پیدایش سازمان های حزبی را ایجاد می کند و به عنوان مهمترین عامل در فرهنگ سازی سیاسی تلقی می شود (بشیریه، ۱۳۷۸: ۶-۷)

با توجه به مطالب بالا این سوال به ذهن می رسد که اهمیت درک رفتار سیاسی و به تبع آن مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی دانشجویان به عنوان مهمترین و تاثیرگذارترین قشر اجتماعی در مسائل سیاسی دارای چه خصوصیات و مشخصاتی (در حوزه سیاست) می باشد که شناخت رفتارهای آنها دارای چنین اهمیتی است؛ این موضوعی است که سعی شده است در این پژوهش به صورت کامل مورد بررسی قرار گیرد.

## ۴-۱- اهداف تحقیق

هدف هر پژوهش در موضوع آن مستتر است. با توجه به موضوع این تحقیق، برآنیم تا با بررسی مباحث نظری مربوطه و جمع آوری اطلاعات آماری به بررسی تاثیر نقش عوامل وضعیتی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان بپردازیم.

هدف کلی: هدف از این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود می باشد.

اهداف جزئی:

۱. شناخت رابطه بین سن و مشارکت سیاسی.
۲. شناخت رابطه بین جنسیت و مشارکت سیاسی.
۳. شناخت رابطه بین قومیت و میزان مشارکت سیاسی.
۴. تعیین رابطه بین منزلت اجتماعی - اقتصادی خانواده و مشارکت سیاسی.
۵. تعیین رابطه بین آگاهی سیاسی افراد و میزان مشارکت سیاسی.
۶. تعیین رابطه بین جهت گیری مذهبی و مشارکت سیاسی.
۷. شناخت رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت سیاسی.
۸. شناخت رابطه بین میزان سیاسی بودن خانواده و مشارکت سیاسی.
۹. شناخت رابطه بین میزان سیاسی بودن دوستان و مشارکت سیاسی.
۱۰. تعیین رابطه بین عضویت در انجمن های داوطلبانه و میزان مشارکت سیاسی.

## ۵-۱- سوالات تحقیق

برخی از سوالات مطرح شده عبارتند از:

- ۱- چرا بعضی افراد به مشارکت سیاسی می پردازند و چرا برخی افراد نسبت به فعالیت سیاسی بی تفاوتند؟
- ۲- چه عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی آنها تاثیر گذار می باشد؟
- ۳- کدام یک از عوامل اجتماعی بیشترین تاثیر را بر مشارکت سیاسی افراد دارد؟

## ۶-۱- موارد کاربرد

با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مباحث عمده توسعه کاربرد این تحقیق می تواند در:

- برنامه ریزی و توسعه کشور.

- پژوهشگران رفتار سیاسی.
- صدا و سیما.
- دانشگاه‌ها.
- سازمان ملی جوانان کاربرد داشته باشد.

## فصل دوم

### مبانی نظری و ادبیات تحقیق



## ۲-۱- پیشینه پژوهش

هر پژوهشی که توسط هر محقق انجام می‌گیرد، قطعاً پیشینه مطالعاتی داشته است. بدین معنا که قبلاً تحقیقاتی چه به صورت کلی و چه به صورت جزئی مرتبط با موضوع انجام پذیرفته است. بنابراین هر کار تحقیقی در یک پیوستار جا می‌گیرد، بدین معنا که از کارهای تحقیقی قبلی اثر پذیرفته است و در کارهای بعدی اثرگذار است. بنابراین طبیعی است که یک محقق با کارهای تحقیقاتی قبلی که درباره موضوع (موضوعات) مشابه صورت گرفته، آشنایی حاصل کند و نسبت به وجود تشابه یا مفارقت کار خود با این تحقیقات از جریانات فکری آگاهی یابد. (کیوی، ۱۳۷۵: ۳۶)

بنابراین هدف از مطالعه منابع و تحقیقات پیشین را به طور خلاصه می‌توان عبارت دانست از:

- ایده گرفتن از تحقیقات قبلی برای تحقیق خود.
  - شناخت تنگناهای تحقیقات قبلی و سعی در عدم تکرار آن.
  - پیوند زدن تحقیق خود به تحقیقات قبلی در راستای گسترش حوزه دانش مورد نظر.
- در تحقیق حاضر ما نیز برآنیم تا از تحقیقاتی که در ایران صورت گرفته و در دسترس است بهره گیریم ولی در خصوص تحقیقات خارجی با توجه به اینکه اغلب به آنها دسترسی نداریم سعی کردیم چکیده یا نقل قولی از این تحقیقات را برای آشنایی محققان بعدی در پژوهش حاضر ارائه نماییم. بنابراین در اینجا می‌خواهیم اشاره‌ای داشته باشیم به ادبیات تحقیق حاضر که در دو بخش تحقیقات داخلی / خارجی انجام گرفته است.

## ۲-۱-۱- پیشینه‌ای بر تحقیقات و مطالعات مشارکت سیاسی در ایران:

- تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی جوانان" توسط فتاحی در سال ۱۳۷۹ در بین ۳۹۳ نفر از جوانان ۱۸-۳۴ ساله شهر رشت انجام گرفته است. این تحقیق به صورت پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام پذیرفته است. محقق بعد از فصول اولیه و نظری برای آزمون فرضیه‌ها در تجزیه و تحلیل متغیرهای اسمی بین متغیرهای جنس و شغل در سطح ۹۵٪ درصد اطمینان رابطه معنی داری بین این متغیرها و مشارکت سیاسی یافته است و بین عضویت در انجمن های ارادی و مشارکت سیاسی در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنی داری یافته است، همچنین بین متغیرهای استفاده از نوع برنامه، مناطق محل سکونت و وضعیت تاهل در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری بین این متغیرها و مشارکت سیاسی وجود داشته است و در متغیرهای ترتیبی از میان ۹ متغیر بین فرهنگ سیاسی، اعتماد سیاسی، درجه مذهبی بودن، میزان بحث و گفتگوی سیاسی، میزان سیاسی بودن خانواده، میزان مسئولیت‌پذیری و آگاهی سیاسی با مشارکت سیاسی در سطح ۹۹٪ رابطه

معنی داری یافته و بین پاداش سیاسی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری یافت نشده است. در تجزیه و تحلیل های فاصله ای بین تحصیلات، درآمد، سن و بعد خانوار با مشارکت سیاسی در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی داری نیافته است. در این تحقیق متغیر عضویت در انجمن های ارادی و خانواده سیاسی بیشترین تاثیر را بر مشارکت سیاسی داشته است. در تحلیل رگرسیونی با روش مرحله به مرحله از میان ۱۹ متغیر ۶ متغیر توانسته است ۴۴/۱۷ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) را تبیین کند. در تحلیل رگرسیونی با روش ورود همگانی این متغیر ها ۴۷/۷ درصد کل متغیر وابسته را تبیین کرده اند. نتیجه مهمی که از این تحقیق بر می آید تاثیر عوامل جامعه پذیری سیاسی چون خانواده سیاسی، دوستان سیاسی و انجمن های ارادی بر مشارکت سیاسی فرد است. (فتحی، ۱۳۷۹).

- تحقیقی در سال (۱۳۸۰) توسط فیروزجائیان با عنوان بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنها (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران) به انجام رسیده است. هدف اصلی در این تحقیق بررسی تاثیر گذاری وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنها می باشد. در این تحقیق از نظرات هانتینگتن و نلسون، لیست براون و جامعه پذیری سیاسی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از بین ۲۱ متغیر مستقل مورد بررسی در این تحقیق ۱۶ متغیر (سن، جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، نوع شغل پدر، محل سکونت فرد، وضعیت اقتصادی، نوع دانشکده، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، شرکت در انجمن های ارادی، تعهد مذهبی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، گرایش به رسانه ها) و مشارکت سیاسی فرد رابطه معنی داری وجود داشته است و بین ۵ متغیر مستقل (تحصیلات فرد، وضعیت شغلی فرد، نوع شغل مادر، منزلت شغلی پدر و قومیت) و مشارکت سیاسی فرد هیچ گونه رابطه معنی داری وجود نداشته است. (فیروزجائیان، ۱۳۸۰).

- «باور» نیز در تحقیقی در سال (۱۳۷۴) به بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی اجتماعی دانشجویان بر نگرش آنها نسبت به مشارکت سیاسی زنان پرداخته است. این تحقیق به روش پیمایشی با استفاده از تکنیک پرسشنامه ای از یک نمونه ۵۷۵ نفری از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه شیراز انجام گرفته است. در این تحقیق از میان ۱۴ متغیر مورد بررسی هفت متغیر که شامل تحصیلات پدر، مادر، محل سکونت والدین، منزلت شغلی پدر، جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، محل سکونت فرد قبل از دیپلم بوده است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری بین این هفت متغیر و متغیر وابسته (نگرش نسبت به مشارکت سیاسی زنان) وجود داشت. همچنین در این تحقیق بین هفت متغیر دیگر که شامل سن، وضعیت اشتغال مادر، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، وضعیت

اشتغال فرد، وضعیت تاهل، میزان درآمد پدر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی داری بین این هفت متغیر با متغیر وابسته وجود نداشت. (باور، ۱۳۷۴).

- بررسی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی جوانان عنوان پایان نامه ایی است که توسط محمدرضا باقری در سال (۱۳۷۷) انجام گرفته است. این تحقیق که به صورت پیمایشی و در قالب پرسشنامه بین ۶۸۲ نفر از جوانان در شهر شیراز در گروه های سنی ۱۹-۳۶ سال قرار داشتند انجام پذیرفته است. در این تحقیق ۱۹ متغیر مستقل در ارتباط با مشارکت سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است. فرضیات موجود در این تحقیق در سطح تجزیه و تحلیل دو متغیره و چند متغیره مورد بررسی قرار گرفتند. در سطح مقیاس فاصله ای در این تحقیق متغیرهایی همچون اعتماد سیاسی با ضریب ۰/۳۲۵، میزان سیاسی بودن دوستان با ضریب همبستگی ۰/۲۴۲، کارایی سیاسی با ضریب همبستگی ۰/۳۷۷، استفاده از وسایل ارتباط جمعی با ضریب همبستگی ۰/۱۱۴، درجه مذهبی بودن با ضریب ۰/۲۵۶، اعتماد به دیگران با ضریب همبستگی ۰/۱۲۳، در سطح ۹۹ درصد معنادار است، اما متغیرهایی چون درآمد و سن رابطه معناداری با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) نداشته اند.

در این تحقیق فرضیه هایی که در سطح اسمی - فاصله ای هستند مانند رابطه بین جنسیت، عضویت در انجمن های ارادی، وضعیت تاهل، بحث و گفتگوی سیاسی آزادانه، علاقه به برنامه های سیاسی و غیر سیاسی، نوع شغل، وسایل ارتباط جمعی با آزمون T تفاوت معناداری بین میانگینها در سطح معناداری ۹۹ درصد وجود دارد. به این معنا که مردان بیشتر از زنان، مجردان بیشتر از متاهلان، اعضای انجمن های داوطلبانه بیش از افرادی که عضو این انجمن ها نیستند، علاقه مندان به برنامه های سیاسی و افرادی که امکان بحث و گفتگوی آزادانه دارند بیشتر از افرادی که این امکان را ندارند وارد فعالیت های سیاسی می شوند. (باقری، ۱۳۷۷).

- بررسی مقایسه ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران عنوان تحقیقی است که در سال ۱۳۸۱ توسط ام البنین چابکی انجام شده است. وی در این تحقیق از روش توصیفی - مقایسه ای استفاده کرده است و اطلاعات را به روش میدانی و از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری نموده است. محقق پرسشنامه ها را بین ۱۰۴۱ نفر دانشجوی شاغل به تحصیل در پنج دانشگاه تهران، شهید بهشتی، الزهرا(س)، امام صادق و صنعتی شریف توزیع نموده است. و در پایان محقق به این نتیجه رسیده است که زنان اعم از اینکه در دانشگاه های مختلط یا غیر مختلط مشغول به تحصیل باشند، در کل علاقه مندی سیاسی کمتری در مقایسه با مردان دارند، و فعالیت های سیاسی آنها کمتر از مردان، جنبه فعالانه دارد و بینش زنان بیش از مردان تحت تاثیر خانواده شکل می گیرد و زنان دیرتر از مردان توجه به مسائل سیاسی را آغاز می کنند. همچنین نتایج نشان داد که شغل پدر و مادر

و میزان تحصیلات آنها رابطه آماری معنادار و مثبتی با علاقه مندی سیاسی دختران دارد. اما از سوی دیگر متغیرهای ازدواج و مقطع تحصیلی، تفاوت معنی‌داری را در رابطه با علاقه مندی سیاسی دو گروه آزمودنی نشان نمی‌دهد (چابکی، ۱۳۸۱).

- سید امامی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش اشکال و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان و نگرش آنها درباره مشارکت سیاسی» در سطح دانشگاه‌های شهر تهران با استفاده از روش پیمایشی و بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه با هدف پاسخ به برخی سوالات از جمله جوانان چقدر به مشارکت سیاسی علاقه دارند؟ چگونه اخبار سیاسی را دنبال می‌کنند؟ چه نوع فعالیت‌هایی را به عنوان انواع فعالیت‌های سیاسی که در آن شرکت داشته‌اند گزارش می‌کنند؟ نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی چیست؟ و چه نوع فعالیت‌های سیاسی را موثر می‌دانند؟ آیا در خود کفایت سیاسی لازم را برای تاثیر گذاری بر عرصه سیاسی می‌یابند؟، پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش حدود نیمی از دانشجویان به سیاست خیلی یا تا حدودی اظهار علاقه کرده‌اند. مهمترین منبع کسب اخبار و اطلاعات سیاسی برای اغلب دانشجویان تلویزیون و سپس روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی است. رای دادن در انتخابات مهمترین نوع مشارکت سیاسی برای بیشتر پاسخگویان بوده است. دومین نوع مشارکت سیاسی رای ندادن یا رای سفید یا باطل بوده است. ۳۸٪ پاسخگویان در نشست‌های سیاسی مشارکت داشته‌اند. همکاری با احزاب یا جناح‌های سیاسی در حد نسبتاً محدودی صورت گرفته، اما فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه از سوی تعداد بیشتری از دانشجویان اعلام شده است. اکثر دانشجویان از اثر بخشی متوسط تا بالایی برخوردار بوده‌اند. در میان رشته‌های تحصیلی تفاوت معنی‌داری میان دانشجویان رشته‌های هنر با سایر دانشجویان دیده شده به این معنی که میانگین مشارکت سیاسی گروه هنر کمتر از سایر گروه‌ها بوده است. گرایش به چپ یا راست تاثیر چندانی در میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نداشته و احساس اثر بخشی سیاسی (چه درونی و چه بیرونی) به طور معنی‌داری با مشارکت سیاسی رابطه داشته، ولی با مشارکت رای‌دهی رابطه معنی‌داری نداشته است (سید امامی، ۱۳۸۴).

## ۲-۱-۲ - پیشینه‌ای بر تحقیقات و مطالعات مشارکت سیاسی در خارج

- لایمن در تحقیقی با عنوان دین و رفتار سیاسی در ایالت متحده به بررسی تاثیر باروها، پیوستگی‌ها و تعهدات دینی بر رفتار سیاسی مردم آمریکا پرداخت. این تحقیق به روش اسنادی و با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده از انتخابات ریاست جمهوری از سال ۱۹۸۰-۱۹۹۴ انجام شده است. محقق در این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت‌های سیاسی بین محافظه‌کاران دین‌دار و لیبرال‌های

دین‌دار به رقابت بین مسیحیان و یهودیان و کاتولیکها و پروتستانها منجر شده است. این تحقیق همچنین تفاوت زمانی تاثیر سیاسی سه جنبه مهم دین یعنی باور، پیوستگیها و تعهدات را تبیین می‌کند. همچنین تحلیل تغییر قابل ملاحظه‌ای را از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ در تاثیر دین بر روی رفتار سیاسی ایالت متحده را نشان می‌دهد. کاتولیکها در طول این دوره زمانی نسبت به پروتستانها با احتمال بیشتری به کاندیداهای جمهوری خواه رای داده‌اند. یهودیان نیز نسبت به مسیحیان به طور قابل ملاحظه‌ای به کاندیداهای ریاست جمهوری دموکراتها رای دادند. اگر چه اهمیت سیاسی این تقسیمات دینی به وضوح مشخص نشده است، به هر حال یک طبقه بندی جدید بر اساس یک سلسله از تعهدات، باورها و پیوستگی‌های مذهبی به لحاظ سیاسی دارای اهمیت بیشتری شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که محافظه‌کاران اصول‌گرا به حزب جمهوری خواه رای داده‌اند و لیبرال-های اصولگرا به حزب دمکرات رای داده‌اند. و احتمالاً افرادی که در سطح بالاتری از تعهدات دینی هستند نسبت به افرادی که در سطح پایین‌تری هستند بیشتر به حزب جمهوری خواه رای می‌دهند. (لایمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷، به نقل از فیروزجائیان، ۱۳۸۰: ۱۹).

- مک کلارک در سال (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان شبکه اجتماعی و مشارکت سیاسی به این نتیجه دست یافت که علاوه بر اینکه تعاملات اجتماعی دارای محتوای سیاسی مهمی هستند، اندازه شبکه تعاملات افراد نیز مهم است. افرادی که با دوستان و آشنایان سیاسی بیشتری ارتباط داشته‌اند از مشارکت سیاسی بالاتری نیز برخوردار بوده‌اند. همچنین در گروه‌های دو نفری مانند زن و شوهرها نتایج نشان می‌دهد که زوجینی که دارای همسرانی علاقه‌مند به سیاست هستند از مشارکت سیاسی بیشتری برخوردار هستند. (مک کلارک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱، به نقل از دیانتی نیت، ۱۳۸۲: ۵۰).

- باری (Bari, ۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «مشارکت سیاسی زنان مسائل و چالش‌ها» بیان می‌دارد که موانع ساختاری و کارکردی مرتبط با مشارکت سیاسی زنان نتیجه روابط اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه است. وی بر این باور است که به دلیل عدم حضور زنان در راس اجتماعات انسانی آنان از وسایل و امکانات مشارکت سیاسی مانند مهارت‌های سیاسی، منابع اقتصادی، آموزش، یادگیری و دسترسی به اطلاعات محروم‌اند و فرصت‌های آموزش و سلامت و اشتغال به طور مستقیم با توانایی زنان در ایجاد فضای مناسب مرتبط با سیاست و توسعه ارتباط دارند. (باری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵، به نقل از نیک‌پور قنواتی، ۱۳۹۱: ۴۸).

---

<sup>۱</sup> Layman  
<sup>۲</sup> Mc.clurg  
<sup>۳</sup> Bari

- آلن بک و کنت جنیگز در تحقیقاتشان به بررسی تاثیر چهار مدل با مشارکت سیاسی جوانان پرداختند که این مدلها عبارتند از: پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، مشارکت خانواده، فعالیت های مدرسه ای جوانان و جهت گیری های مدنی خانواده. در این تحقیق، تاثیر این متغیرها بر مشارکت سیاسی جوانان غیر مستقیم بوده است و تاثیر مشارکت خانواده (۰/۰۹) و فعالیت های مدرسه (۰/۱۷) بر مشارکت سیاسی جوانان کاملاً مستقیم بوده است. به نظر این دو محقق خانواده و محیط های آموزشی از طریق گسترده ای از مکانیزمهای جامعه پذیری تاثیراتی را بر مشارکت بعدی جوانان بر جای می گذارند. در واقع جامعه پذیری سیاسی بیش از بزرگسالی بر نگرشها و رفتارهای بزرگسالی تاثیر می گذارند. (آلن بک و کنت جنیگز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲، به نقل از فیروزجائیان، ۱۳۸۰: ۱۶).

- در تحقیق دیگری تحت عنوان «مشارکت سیاسی جوانان»، علاقه سیاسی را عاملی مهم برای شرکت در فعالیت های سیاسی می داند. در تحقیق مورد اشاره به تفاوت فرهنگ های سیاسی سه دسته از کشورهای اروپایی نیز اشاره شده است. نتایج حاکی از آن بوده که کشورهای آلمان، دانمارک، هلند و تا حدودی انگلیس از فرهنگ مدنی پیشرفته تری برخوردار بوده اند. فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و بلژیک در گروه دیگر قرار گرفته اند. با توجه به مشارکت در انتخابات (تا سال ۱۹۹۰ م) جمهوری فدرال آلمان از جمله کشورهایی بوده است که میزان مشارکت در انتخابات، در آن کشور نسبتاً بالا گزارش شده است. تفاوت میان کشورها را از نظر مشارکت سیاسی می توان تا حدودی به دلیل سنت های سیاسی فرهنگی و یا ملی آن دانست.<sup>۲</sup>

## ۲-۲- مبانی نظری

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر به بررسی مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن می پردازد ابتدا به مرور برخی مفاهیم و ابعاد مشارکت سیاسی پرداخته می شود و سپس به کمک نظریه های اجتماعی، عوامل اجتماعی مرتبط با پدیده مشارکت سیاسی مطرح می گردد.

## ۲-۲-۱- مفهوم مشارکت

تاکنون از مشارکت تعاریف و تفسیرهای بسیاری به علم آمده است. گستردگی مفهوم مشارکت و تفسیرهای متعدد از آن، یکی از ویژگی های خاص این مفهوم است و قدمت این واژه به دیرینگی زندگی اجتماعی انسانها بر می گردد. سرجل<sup>۳</sup> (۱۹۷۰) خاطر نشان می سازد «مشارکت در تصمیم-گیری در بسیاری از کشورها مفهومی دل انگیز است، اما تقریباً بیشتر افرادی که این اصطلاح را بکار

<sup>۱</sup> Beck & Jennigs

<sup>۲</sup> Gaiser & Rijike, ۲۰۰۸, pp. ۵۴۱-۵۵۵

<sup>۳</sup> Serjel

می‌برند به طور متفاوتی درباره آن فکر می‌کنند.» (وحید، ۱۳۸۳: ۱۲۷)، به نظر هال<sup>۱</sup> تعارض بین دیدگاه‌های عملگرایانه و دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی و در طول زمان با معنای متفاوتی هویدا شود. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۲).

اصطلاح مشارکت را آلن بیرو<sup>۲</sup> به معنای «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن تعریف کرده است.» (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷) به نظر سلیمه عمر، فرایند مشارکت مداخله و کنترل بیشتر مردم به تعیین آنچه از دیدگاه خود مردم یک زندگی بهتر را تشکیل می‌دهد منجر خواهد شد.

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت فراگردی است که از راه آن مردم به دگرگونی دست می‌یابند و دگرگونی را در خود پدید می‌آورند. مشارکت در چنین مفهومی بر رشد شخصیت انسانی تاکید نموده و به «عنوان راهبردی بشمار می‌آید که فرصت‌های نیکوئی می‌آفریند تا مردم برای از میان برداشتن دشواریها و گشودن مرزهای بسته به راه‌های تازه دست پیدا کنند» (طوسی، ۱۳۷۰: ۵). فرایند مشارکت به صورت «فراگرد نیرومند سازی» به سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و با گشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تاکید دارد. یکی از با ارزش‌ترین جنبه‌های مشارکت از میان بردن حاشیه نشینی و شکوفا نمودن ابتکار و خلاقیت در انسانهاست. هماهنگونه که دونالد مایکل<sup>۳</sup> بیان داشته است «انسان‌ها زمانی بیشتر به خود اعتماد پیدا می‌کنند و بیشتر از خود مایه می‌گذارند و آرمانهای خلاق ارائه می‌دهند که در فرایند تصمیم‌گیری در رابطه با زندگی خودشان مشارکت پیدا کنند. در اینجا است که یاد می‌گیرند با زندگی خود با آگاهی برخورد کنند» (عظیمی رضانی، ۱۳۷۷: ۴۷).

برای روشن شدن بیشتر معنای مفهومی مشارکت به برخی از تعاریف ارائه شده توسط صاحب‌نظران اشاره می‌شود. فرنچ جامعه‌شناس فرانسوی مشارکت را عبارت از درگیر شدن ذهنی و عاطفی یک فرد، در یک وضعیت گروهی که این درگیری او را تشویق و برانگیخته می‌کند تا به هدفهای گروه کمک کند و خود را در مسئولیت‌های آن گروه نیز سهیم بداند و برای به سرانجام رساندن مقصود

<sup>۱</sup> Hall

<sup>۲</sup> Biro Allen

<sup>۳</sup> Maykel

گروه تفکر و تلاش کند»، (انصاری، ۱۳۷۵). همچنین، وار<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) بر اساس گرایش روانشناسی اجتماعی مشارکت را به درگیری در فعالیت و تاثیر پذیری اجتماعی تعریف کرده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۲). از دیدگاه آلموند و پاول «فعالیت‌های مشارکت جویانه آن دسته فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر روی سیاستگذاری اعمال نفوذ کند» (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

از دیدگاه یومال<sup>۲</sup> «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرحهای توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (پاتریک، ۱۳۷۴: ۱۱۹). گائوتری<sup>۳</sup>، مشارکت را فرایندی عمومی، یکپارچه، چند گانه، چند بعدی و چند فرهنگی که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است بیان نموده است (به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳).

دارام گای با الهام از دیدگاه های گرن<sup>۴</sup> (۱۹۸۳)، اوکلی<sup>۵</sup> (۱۹۸۳) و اکللی و مارسدن<sup>۶</sup> (۱۹۸۴)، بین سه تعریف از مفهوم مشارکت تفاوت قائل شده است. یک کاربرد این کلمه به بسیج مردم برای به عهده گرفتن پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد. معمولاً این پروژه‌ها از بالا اندیشیده و طراحی گردیده‌اند و مردم برای اجرای آنها بسیج می‌شوند. تفسیر دوم، مشارکت را با تمرکززدایی در دستگاه دولتی و یا در سازمان‌های مربوط به آن برابر می‌گیرد. سومین نظر، مشارکت را به عنوان فرایند اختیار دادن به جداافتادگان و محرومان می‌شناسد. وی مشارکت در این مفهوم را مستلزم ایجاد سازمانهای دموکراتیک، مستقل و خوداتکائی فقیران بیان داشته است (گای، ۱۳۷۱: ۶۲ - ۶۳).

علوی تبار هم این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند: «مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای رسیدن به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» این تعریف دارای سه جزء است:

۱. درگیر شدن: مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوشش های بدنی محدود نمی‌شود.

۲. یاری دادن: مشارکت داد و ستد اجتماعی دو سویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادستی.

<sup>۱</sup> Warr

<sup>۲</sup> Umalel

<sup>۳</sup> Gaotre

<sup>۴</sup> Gran

<sup>۵</sup> Oakly

<sup>۶</sup> Oakly & Marsden



۳. پذیرش مسئولیت: مشارکت اشخاص را بر می‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند. (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۵).

## ۲-۲-۲- انواع مشارکت

با توجه به حوزه علمي‌اتي مشارکت، انواع گوناگونی از آن را می‌توان نام برد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اولین تقسیم بندی مربوط به مشارکت سنتی و جدید است.

الف) مشارکت سنتی: این نوع مشارکت بر اساس عرف، عادت و مذهب پدید می‌آید و میان افراد جامعه به شکل نهادهای خود جوش وجود دارد.

ب) مشارکت جدید: در این نوع مشارکت «محرکی» افراد را به فعالیت وا می‌دارد. این محرک معمولاً از جانب سازمانهای دولتی برای جلب و افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف در قالب برنامه های خاصی وارد می‌شود (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۵۱).

مشارکت را بر اساس نوع و کسانی که انتظار مشارکت دارند نیز می‌توان تقسیم بندی کرد که شامل سه دسته است:

الف) مشارکت ابزاری: در این نوع مشارکت انسان‌ها وسیله هستند و اغلب ترجیح داده می‌شود که همه مردم بر اساس یک الگو رفتار کنند و تامین نیروی انسانی مورد نیاز بخش خصوصی بدون توجه به مبانی فرهنگی و جنبه‌های انسانی و صرفاً با دیدی مادی و اقتصادی مورد نظر است.

ب) مشارکت تحمیل شده: مشارکتی است که برگزیدگان و نخبگان را به مشارکت می‌کشاند. در این نوع مشارکت که گاهی از تکنیک‌های روانی - اجتماعی یا ساز و کارهای فرهنگی استفاده می‌شود، هدف لزوماً نیازهای واقعی و انتظارات مشارکت کنندگان نیست.

ج) مشارکت توسعه‌ای: این نوع مشارکت فرایندی اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، مکمل، چند بعدی و چند فرهنگی است. به عبارت دیگر مشارکت توسعه‌ای می‌خواهد که همگان در مراحل توسعه درگیر شوند و دارای خصوصیات زیر است.

۱. این نوع مشارکت بر پایه پاسخگویی و تقاضاهای مسائل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی می‌باشد و نیازمند ساخت سیاسی مناسب است.

۲. فرآیندی پیوسته است؛ زیرا مردم در همه مراحل اعم از برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و مدیریت، نظارت و ارزشیابی و سهم‌شدن در منابع درگیر می‌شوند.

۳. فرآیندی چند وجهی است؛ یعنی شامل فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، زیست محیطی، سیاسی و اقتصادی است.

۴. فرآیندی چند بعدی است. مشروعیت خود را نه تنها از قانون و دولت بلکه از ریشه‌های تاریخی، سنت‌های فرهنگی و اجتماعی و باورهای مردم می‌گیرد.
۵. فرآیندی چند فرهنگی است و تمامی گروه‌های اجتماعی و فرهنگی حاضر در یک جامعه را شامل می‌شود و هیچ گروهی بر دیگری برتری ندارد (فریدون، ۱۳۷۷: ۵۴).

#### ۲-۲-۳ - ویژگی‌های مشارکت تأثیر گذار :

۱. دو سویه بودن و نه یک سویه بودن.
۲. داوطلبانه بودن و نه اجباری بودن.
۳. آگاهانه بودن و نه غریزی و ناآگاهانه بودن.
۴. بر اساس علاقه و نیازها بودن.
۵. بر مبنای اعتقاد و ارزشها بودن.
۶. بر اساس اعتماد و هم‌رایی متقابل بودن.
۷. شبیه کارکرد ارگانیسم است.
۸. نیازمند فعالیت تمام عناصر یک نظام است.
۹. بر مبنای هدف مشترک است.
۱۰. مشارکت کنندگان حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها را دارند.
۱۱. بر مبنای آزادی عمل و دفاع از نظرهاست.
۱۲. مخصوص یک قشر نیست. (متین، ۱۳۷۷: ۴۶).

#### ۲-۲-۴ - سطوح مشارکت

سطوح مشارکت به سه دسته فعال، انفعالی و خنثی تقسیم می‌شود:

۱. مشارکت فعال که تقاضا بر اساس آگاهی صورت گرفته و نوعی حمایت هم از آن وجود دارد.
۲. مشارکت انفعالی که افراد از کودکی به صورتی تربیت می‌شوند که تقاضا نداشته باشند ولی در زمان لازم حمایت کنند.
۳. مشارکت خنثی که فرد نه تقاضا دارد و نه حمایت می‌کند؛ زیرا از کودکی یادگرفته که در سیاست و امور اجتماعی دخالت نکند و دیدی منفرد نسبت به آن داشته باشد. (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۹: ۲۴).

## ۲-۵ - مشارکت سیاسی در حوزه تعریف و نظر

بحث پیرامون مشارکت سیاسی آحاد جامعه، از جمله مباحثی است که از قدمت دیرینه ای برخوردار بوده و چگونگی مشارکت سیاسی شهروندان، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های خاطر سیاست‌اندیشان را تشکیل می‌دهد است (عنایت، ۱۳۶۴: ۴۶). اما با وجود این پیشینه دراز، از مشارکت سیاسی به عنوان پدیده‌ای جدید که در ارتباط تنگاتنگ با دولت‌های مدرن و ملاک سنجش مشروعیت آنها است، یاد می‌شود؛ (فیرحی، ۱۳۷۷: ۵۶). به لحاظ گستردگی دامنه مشارکت سیاسی، از این واژه تعاریف مختلفی به عمل آمده است که به لحاظ تفاوت در مصداق‌ها و حیطه عمل، حاکی از عدم توافق بر سر یک تعریف جامع بوده و بیانگر عدم اجماع در شاخص‌ها و مولفه‌های این پدیده است. برخی عنصر «قانونی بودن» را برای مشارکت لازم دانسته و مشارکت سیاسی را «اعمال قانونی که شهروند عادی با هدف تاثیر بر هیات حاکمه و عملکرد ایشان انجام می‌دهد» تعریف می‌کنند (هبه رثوف، ۱۳۷۷: ۹۶) از نظر وربا و کیم، نیز فعالیت سیاسی شامل تمام فعالیت‌های قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنها اثر می‌گذارد. (وربا و کیم<sup>۱</sup>، ۱۹۷۲).

برخی مشارکت سیاسی را مترادف با «درگیری سیاسی» به کار برده اند و منظور از درگیری را هر نوع دخالت ظاهری (از نظر دخالت کننده) در سیاست، اعم از از مشارکت سیاسی تا بی تفاوتی آگاهانه سیاسی و در پایان طیف عناد و مخالفت سیاسی دانسته اند. (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۷: ۲۵).

طبیعتاً عنصر «آگاهی» از عناصر اساسی در مشارکت سیاسی است و از نقش اساسی و محوری در این زمینه برخوردار است. دایره المعارف علوم اجتماعی در تعریفی که از مشارکت سیاسی ارائه داده است، شرط «داوطلبانه بودن» را مدنظر قرار داده و مشارکت سیاسی را "فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست‌گذاری عمومی، دانسته است." (مک کلوسکی، ۱۹۶۲)<sup>۲</sup>.

مشارکت سیاسی را نمی‌توان به مشارکت رای دهی یا حتی انواع نهادینه شده آن مثلاً عضویت در احزاب یا فعالیت‌های تبلیغاتی برای احزاب سیاسی یا نامزدها در زمان انتخابات محدود ساخت. مشارکت سیاسی طیف گوناگونی از رفتارهای سیاسی را در بر می‌گیرد که یک سوی آن شرکت در رای‌گیری و سوی دیگر شرکت در قیامی جمعی برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادین در جامعه است.

<sup>۱</sup> Verba & Kim

<sup>۲</sup> R. McClosky

در عین حال سطوح مشارکت سیاسی را می توان به مثابه نوعی سلسله مراتب در نظر گرفت که بر حسب شدت مشارکت فرد در امور سیاسی جامعه تنظیم شده و از در معرض قرار دادن خود در برابر محرک های سیاسی در پایین ترین سطح آغاز و تا پذیرش مسئولیت حزبی یا کشوری ادامه می یابد. بر خلاف تعاریف سنتی تر از مشارکت سیاسی که آن را صرفاً در چهارچوب اشکال متعارف مشارکت بیان می کردند، در تعاریف جدیدتر، مشارکت سیاسی به دامنه گسترده تری از کنش های داوطلبانه افراد گفته می شود که منظور از آن تاثیر گذاری مستقیم یا غیر مستقیم در فرایندهای تصمیم گیری سیاسی یک جامعه است. به عنوان مثال، مک کلاسیکی مشارکت سیاسی را آن دسته کنش های داوطلبانه ای می خواند که «از طریق آنها اعضای یک جامعه در گزینش حاکمان و مستقیم و غیر مستقیم در شکل گیری سیاست های عمومی سهیم می شوند». نوریس علاوه بر کنش هایی که به شکل مستقیم بر فرایند سیاست گذاری و به طور غیر مستقیم بر جامعه مدنی تاثیر می گذارند، کنش هایی را که به منظور تغییر الگوهای نظام مند رفتار اجتماعی نیز صورت می گیرند در تعریف خود از مشارکت سیاسی می گنجاند.

در هر صورت باید نخست توجه داشت که مشارکت سیاسی اصولاً نوعی کنش یا فعالیت است و لذا علاقه به سیاست یا پیگیری اخبار سیاسی را نمی توان نوعی مشارکت سیاسی به شمار آورد. دوم آنکه مشارکت سیاسی محدود به شرکت در انتخابات یا برخی اشکال متعارف نمی شود. سوم، منظور از مشارکت سیاسی، رفتار شهروندان و نه فعالیت سیاستمداران یا مسئولان حکومتی است و چهارم اینکه مشارکت سیاسی در اصل عملی داوطلبانه است؛ حتی اگر فرد به شدت تحت تاثیر برخی تلقین های ایدئولوژیکی یا باورهای مذهبی باشد.

در یک معنای کلی و با توجه به ویژگی های بالا و شرایط خاص ایران، مشارکت سیاسی را چنین تعریف می کنیم:

آن دسته از کنش های شهروندان که با هدف تاثیر گذاری مستقیم یا غیر مستقیم بر تصمیم های سیاسی و فضای سیاسی کلی کشور صورت می گیرند. (سید امامی، ۱۳۸۶: ۶۲).

در پژوهش حاضر منظور از مشارکت سیاسی، عملی آگاهانه و ارادی است که به طور مستمر یا دوره ای، از راه های قانونی و مسالمت آمیز به منظور گزینش رهبران جامعه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و تأثیر گذاری بر امور تصمیم گیرهای مربوط به اداره جامعه انجام می پذیرد.